

گفت‌وگوی «وطن امروز» با روبینسون فارینازو کاسال درباره پیام حضور رهبر انقلاب در مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی

سیگنال قدرت ایران به جهان

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ | ۱۷ محرم ۱۴۴۷ | ۱۳ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۴۶ | صفحه ۸ | ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۹۰۰ سال و ۳۲۴ روز گذشت

مورینیو به دنبال جذب طارمی برای فتر باغچه است

ماجرای شکار خاص

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4362 | SUN.JUL.13, 2025 | ISSN:2008-2886



افشاگری تاکر کارلسون درباره ارتباط جفری اپستین با دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای اخاذی سیاسی اسرائیل از مقامات آمریکایی

رد مוסاد در جزیره فساد

صفحه ۷

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: بررسی نخستین سفر جولانی به باکو و تأثیر توافقات پشت پرده رهبر شورشیان سوریه با علی اف درباره منطقه قفقاز

تکفیری‌ها در راه قره‌باغ؟

تکفیری‌هایی است که حاضر به پذیرش جولانی جدید کراواتی نیستند و روحیه آنها پذیرش عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی و سکولاریسم را قبول نمی‌کند و در وهله دوم خروج نیروهای چندملیتی از سوریه بار مشکلات دولت شورشیان را کاهش می‌دهد؛ موضوعی که در صورت تحقق می‌تواند دستاورد بزرگی برای جولانی باشد.

■ توافق محرمانه جولانی و علی‌اف؟

در حاشیه این سفر، اخبار ضد و نقیضی درباره توافقی محرمانه میان رهبر شورشیان سوریه و الهام علی‌اف مطرح شده است. طبق این اطلاعات، یکی از موضوعات مهم مورد بحث این دیدار استقرار گروه‌های تکفیری حامی تحریرالشام است که طبق توافقات شکل گرفته در دیدار ترامپ و جولانی در عربستان باید از سوریه خارج شوند.

طبق گمانه‌زنی‌ها این بخش از تکفیری‌ها به علاوه بخش دیگری که در جبهه اوکراین فعال هستند، توسط ترکیه در قریباغ دشتی و در جدار مرزی ایران مستقر خواهند شد؛ منطقه‌ای که پس از جنگ دوم قریباغ و تغییر جغرافیای انسانی منطقه با آوارگی ۱۲۰ هزار ارمنی، انگلیس، اروپا و رژیم صهیونیستی بشدت در آن فعال شده و فعالیت‌های مرموزی را آغاز کرده‌اند. پیش از این نیز در سال‌های گذشته حدود ۴۰۰ روستا در منطقه آسارا به بهانه‌های زیست‌محیطی از سکنه بومی تخلیه شده و نیروهای تکفیری در آنجا مستقر شده‌اند؛ نیروهایی که در مقطعی از درگیری‌های قریباغ در مرز ایران نیز رویت شده بودند و تصاویر آنها توسط مرزبانی جمهوری اسلامی ایران و نیروهای امنیتی و نظامی ما منتشر شد.

اکنون اما صحبت از اسکان چند ده هزار تکفیری چندملیتی در منطقه قریباغ دشتی مطرح شده است؛ اقدامی که می‌تواند این منطقه را به کانون ناامنی برای کشورهای همسایه بویژه ایران، روسیه و ارمنستان تبدیل کند؛ تکفیری‌هایی که بسیار تندرو هستند و قرار است در کشوری با جمعیت شیعه مستقر شوند. این طرح خطرناک در صورت عملی شدن توسط دولت جمهوری باکو اقدامی بشدت تحریک‌آمیز است که نیاز به پاسخ قاطع دارد؛ پاسخی که تامین‌کننده امنیت و ثبات منطقه قفقاز جنوبی است.

گاز دریای خزر منجر شود. برخی تحلیلگران نیز سفر جولانی به باکو را پیمایی به ترکیه تفسیر کرده‌اند. البته با توجه به روابط نزدیک باکو و آنکارا تأثیر منفی این سفر بر روابط ۲ کشور دور از ذهن به نظر می‌رسد اما علاقه جولانی و علی‌اف به گسترش همکاری‌ها و خروج از سایه آنکارا در آینده می‌تواند به اختلاف ۳ کشور منجر شود.

■ پیام به تهران و مسکو

این سفر پیامی تحریک‌آمیز برای تهران و مسکو تعبیر شده است. تا سال گذشته جولانی رهبری گروهک تروریست تحریرالشام در ادلب را بر عهده داشت و ارتش روسیه به همراه نیروهای محور مقاومت دشمنان آنها به حساب می‌آمدند و در پاکت سریع عملیات رعد العدوان که منجر به سقوط حکومت اسد و روی کار آمدن تکفیری‌ها و شورشیان در سوریه شد، درگیری‌های گسترده‌ای میان آنها و نیروهای مقاومت و روسیه رخ داد؛ درگیری‌هایی که پس از به قدرت رسیدن جولانی در دمشق به نزاع سیاسی و منطقه‌ای تبدیل شده است.

نخستین حضور جولانی در قفقاز درست زمانی که تنش‌ها میان روسیه و جمهوری باکو افزایش چشمگیری داشته است، صحبت‌های خطرناک درباره احتمال همکاری و حضور تکفیری‌ها در بخش‌هایی از این منطقه، برای تهران و مسکو قابل قبول نیست؛ اقداماتی که ممکن است حوادث سوریه را در قفقاز جنوبی و حتی آسیای مرکزی تکرار کرده و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار دهد؛ مسأله‌ای که نه‌تنها امنیت تهران و مسکو را به خطر می‌اندازد، بلکه برای کشورهای منطقه نیز غیرقابل قبول است.

طبق گزارشات رسمی، تعداد زیادی از بنیادگرایان تندرو و تکفیری‌های قفقاز و آسیای مرکزی در سوریه مستقرند؛ افرادی که از کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، جمهوری باکو و منطقه چین و داغستان روسیه از طریق ترکیه به سوریه فرستاده شده بودند و اکنون در این کشور جنگ‌زده حضور دارند.

در سفر جولانی به باکو مسأله انتقال این افراد به مناطقی از قریباغ، نگرانی‌هایی را برای طرف‌های منطقه‌ای ایجاد کرده است؛ مسأله‌ای که برای جولانی در شرایط فعلی بسیار اهمیت دارد و می‌تواند دستاوردی بزرگ محسوب شود. در وهله نخست وی خواستار خلاص شدن از

گزارش

ابومحمد جولانی، رئیس موقت سوریه، دیروز (۲۱ تیر ۱۴۰۴/۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵) سفری رسمی به جمهوری باکو انجام داد. این سفر، نخستین حضور یک مقام عالی‌رتبه سوری در باکو طی بیش از ۲ دهه گذشته بود و بازتاب‌های گسترده‌ای در رسانه‌ها و محافل سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. جولانی با پرواز رسمی وارد فرودگاه بین‌المللی حیدر علی‌اف باکو شد. در فرودگاه، گارد تشریفاتی ویژه‌ای به افتخار او اجرا شد و پرچم‌های ۲ کشور به اهتزاز درآمد. احمد شسر (ابومحمد جولانی) مورد استقبال یعقوب ایوبف (معاون اول نخست‌وزیر جمهوری باکو)، فریز رضایف (معاون وزیر خارجه) و دیگر مقامات ارشد جمهوری باکو قرار گرفت.

■ اهداف این سفر جنجالی

این سفر در راستای گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان سوریه و باکو انجام شد. جولانی همچنین با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور باکو و سایر مقامات کلیدی این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. محورهای گفت‌وگو شامل تحولات منطقه قفقاز، همکاری‌های امنیتی و نقش ایران در معادلات منطقه‌ای عنوان شده است. برخی تحلیلگران این سفر را بخشی از روند جدید نیز در زمره دستور کارهای بازرسی‌هاست. یکی از زمان تأسیسات نسبت به میزان خسارات وارده به این تأسیسات برآورد دقیق حاصل کنند. ضمن اینکه بازرسان یک گزارش درباره امکان فعالیت مجدد این تأسیسات، همچنین مدت زمان لازم برای این کار تهیه کنند از سوی دیگر دولت ترامپ خواستار این است که بازرسان آژانس از وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده باقیمانده در ایران بازرسی کرده و درباره این ذخایر نیز تعیین تکلیف شود. وضعیت ساتنریفیوژهای موجود، همچنین امکان ساخت ساتنریفیوژهای جدید نیز در زمره دستور کارهای بازرسی‌هاست. یکی دیگر از مواردی که هم آمریکا و هم آژانس خواهان رسیدگی به آن هستند، بازرسی از تأسیسات جدید یا اعلام‌نشده هسته‌ای ایران است، بویژه تأسیساتی که مختص موضوع غنی‌سازی است. بنابراین یکی از اهداف آمریکایی‌ها از مذاکرات و ادامه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران، ارائه یک برآورد دقیق از وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و خاصه مشخص شدن مدت زمان ازسرگیری غنی‌سازی و به تعبیر آنها مشخص شدن مدت زمان دستیابی ایران به بمب اتم است. بنابراین مذاکرات هسته‌ای نیز از جمله گزاره‌هایی است که بر موضوع حمله نظامی مجدد به ایران بسیار موثر است. ۳- وضعیت اجتماعی ایران: بدون شک انسجام اجتماعی و همبستگی ملی ایرانیان در پی حمله نظامی ۱۲ روزه، برخلاف برآوردها و پیش‌بینی‌های رژیم و آمریکا درباره واکنش مردم ایران به این حمله بود. کلان‌پروژه رژیم صهیونی و آمریکا علیه ایران، تغییر نظام و در پی آن تجزیه کشور است. مقامات صهیونیست و آمریکایی صراحتاً از برنامه خود برای تغییر نظام در ایران پرده برداشتند و در چند نوبت بر آن تأکید کردند اما قاعدتا آنها به واسطه واکنش اجتماعی در ایران، از موضوع تجزیه سخی به میان نمی‌آورند. با این حال شواهد، برنامه‌ریزی‌ها و نیز مواضع و تحلیل‌های کارشناسان و تحلیلگران مطرح دنیا نشان می‌دهد هدف نهایی آنها از حمله به ایران، تحقق پروژه تجزیه ایران است. نتایج‌هاوراه‌اعلام کرده مدل لیبی، مدل مطلوب وی درباره ایران است. ضمن اینکه استراتژی‌هاوراهبردهای کلان رژیم صهیونیستی در غرب آسیا نیز بر مبنای تضعیف و تجزیه کشورهای بزرگ بنا شده است.

گزارش تحلیلی درباره نحوه مواجهه ایران با مسأله احتمال حمله مجدد رژیم صهیونیستی

اقدام پیشی‌دستانه

امیرعباس نوری: یکی از سولاتی که این روزها در بین مردم و اهالی سیاست و رسانه مطرح است این است: آیا اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران ادامه خواهد یافت و آتش‌بس از سوی این رژیم، نقض خواهد شد؟

در روزهای اخیر اظهارنظرها و تحلیل‌های متفاوتی در این باره مطرح و منتشر شده است. عمدتاً ۲ دیدگاه متفاوت در این باره وجود دارد. یک دیدگاه معتقد است رژیم صهیونیستی و حتی آمریکا بزودی حملات نظامی خود به ایران را از سر می‌گیرند. این دیدگاه معتقد است رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند اهدافی را که نتوانست در حمله ۱۲ روزه محقق کند، این بار عملیاتی کند، همچنین سعی خواهد کرد اهداف جدیدی را در ایران مورد هدف قرار دهد. بر اساس این دیدگاه، مهم‌ترین دستور کار نتانیاهو در سفر اخیر به واشنگتن، متقاعد کردن ترامپ به ادامه حملات و همین‌طور مشارکت آمریکا در این حملات در مواقع نیاز بود. کارشناسانی که این دیدگاه را دارند، می‌گویند تاریخ دقیق ازسرگیری حملات نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران مشخص نیست اما احتمالاً طی چند هفته یا یکی دو ماه آینده انجام می‌شود. دسته دوم اما معتقدند دست کم تا چند ماه یا یکی دو سال آینده، رژیم به ایران حمله نظامی نخواهد کرد. این عدا از تحلیلگران و کارشناسان معتقدن رژیم صهیونیستی بر اساس ادعای دستیابی قریب‌الوقوع ایران به بمب اتم به ایران حمله کرد و چراغ سبز ترامپ برای انجام این حمله را نیز بر اساس ملاحظات زمانی این ادعا دریافت کرد. بر همین اساس، پس از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، ادعای دستیابی قریب‌الوقوع ایران به سلاح هسته‌ای دیگر موضوعیت ندارد. این دیدگاه همچنین معتقد است با توجه به حملات موشکی ایران به سرزمین اشغالی و خسارات گسترده‌ای که این حملات روی دست رژیم صهیونیستی گذاشت، رژیم تا زمانی که سیستم پدافند موشکی خود را اصلاح کند و نسبت به دفع حملات ایران مطمئن نشود، به ایران حمله نمی‌کند و این موضوع یعنی اصلاح پدافند چندلایه موشکی نیز ماه‌ها زمان خواهد برد.

از سوی دیگر این کارشناسان می‌گویند رژیم و آمریکا در مقطع فعلی تلاش می‌کنند پروژه تضعیف ایران را از طریق سایر گزینه‌ها دنبال کنند. آتش‌بس در غزه، پیگیری پیمان ابراهام و همین‌طور فعال‌سازی مکانیسم ماشه از جمله اقدامات رژیم صهیونیستی و آمریکا برای تحت فشار قرار دادن و تضعیف ایران است. واکنش مردم ایران به حمله نخست رژیم و آمریکا برخلاف برآوردهای موساد و سیا بود و بر همین اساس رژیم صهیونیستی و آمریکا تلاش می‌کنند با تشدید تحریم‌ها یک فضای نارضایتی در سطح جامعه ایرانی ایجاد کنند تا در صورت حمله مجدد به ایران، پروژه نارضایتی عمومی محقق شود. این دیدگاه همچنین معتقد است در این مدت، یعنی از زمان تأسیسات نیز تا زمان حمله مجدد رژیم و آمریکا به ایران، دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونی و آمریکا تلاش می‌کنند یک سلسله اقدامات برای ناامنی و به آشوب کشاندن ایران نظیر آنچه پاییز ۱۴۰۱ رخ داد، انجام دهند. ضمن اینکه لایه‌ای این اقدامات، تلاش می‌کنند پروژه ترورها را نیز پیش ببرند. لذا این عده از کارشناسان معتقدن رژیم و آمریکا به دلیل نتایج حمله ۱۲ روزه، فعلاً ترجیح می‌دهند از طریق اقدامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی، ایران را تحت فشار قرار دهند تا زمان حمله مجدد نظامی فرابرسد. بر اساس این دیدگاه، نتایج‌هاو به ترامپ باورآنده است فضای اجتماعی ایران ظرفیت اعتراض و آشوب را دارد و بهتر است حمله نظامی مجدد زمانی رخ دهد که واکنش اجتماعی به این حملات، برخلاف حمله ۱۲ روزه، علیه نظام جمهوری اسلامی شکل بگیرد. در واقع پروژه اصلی نتانیاهو و ترامپ، تغییر نظام و سپس تجزیه ایران است و این زمانی محقق می‌شود که حملات نظامی در واقع پیش‌برنده اعتراضات و درگیری‌های داخلی در ایران باشند. این ۲ دیدگاه اکنون درباره احتمال و امکان حمله نظامی مجدد به ایران مطرح است. نقطه مشترک هر ۲ دیدگاه، قطعی بودن حملات نظامی مجدد رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران است. اختلاف نظر نیز صرفاً مربوط به زمان این حملات است.

هر ۲ دیدگاه نیز استدلال‌های قابل قبولی در دفاع از ایده و تحلیل خود اقامه می‌کنند و قاعدا تا هر ۲ دیدگاه قابل اعتناست. در این میان برای اینکه یک

تیتیر های امر وز



چگونه می‌توان از دل جنگ ۱۲روزه تبیین واقع‌بینانه خلق کرد؟

نوبت روایت فتح

صفحه ۸

نگاهی به پیشرفت ایران در تولید علم هوش مصنوعی و جایگاه نخست آن در منطقه

سیمرغ خودباوری

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از رشد ۵۰ درصدی قیمت بلیت پروازهای ایران در بهمن ۱۴۰۴

پرواز قیمت پروازها

صفحه ۳

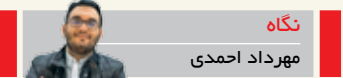
گزارش «وطن امروز» از جدیدترین وضعیت تولید خودروسازان جاده مخصوص

تولید خودرو در خط کندرو

صفحه ۵

پیوندی تاریخی که هیچ پروژه سکولاری نتوانست آن را بگیرد

خودآگاهی ملی، دینی است



امر ملی در ایران هرگز به مثابه یک مفهوم صرفاً سکولار یا منقطع از ساحت متعالی دینی قابل تبیین نبوده است. تاریخ ما گواهی می‌دهد امر ملی همواره در پر تو دین و سنت‌های معنوی شکل گرفته و حتی در بزنگاه‌های بحرانی همچون قیام‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌های مشروطه‌طلبانه یا نهضت‌های ضداستبدادی، نه به صورت یک هویت مستقل، بلکه به عنوان امتداد یا بازآکید بر امر دینی بروز کرده است. آنچه در ایران به نام «ملت» معنا یافته، در واقع از دل همین پیوستگی زاینده و پویای دین و امر جمعی برخاسته است. گوئی هر گاه جامعه ایرانی به سطحی از بحران یا دوگانگی وجودی رسیده، دین به عنوان قوام‌دهنده اصلی هویت جمعی، میدان دار و مرجع بازگشت شده است.

وقتی از انقلاب‌های ۲۰۰ سال اخیر سخن می‌گوییم، باید یادآوری کرد چه در مشروطه و چه در انقلاب اسلامی، عنصر دین به مثابه نیروی محرک اصلی عمل کرد. در مشروطه، در حالی که نخبگان و روشنفکران درگیر ترجمه مفاهیم قانون و پارلماناریسم بودند، بدنه اجتماعی حرکت، مشروعیت خود را از روحانیت و رهبران دینی گرفت. حتی توده‌های مردم، نه در قالب یک شهرنلد لیبرال یا قرد منفصل از سنت، بلکه در قامت «مؤمن ملت» به میدان آمدند. این خودآگاهی جمعی، اگرچه تحت تأثیر ایده‌های مدرن شکل می‌گرفت، نهایتاً در ترازوی دین وزن می‌شد و مشروعیت می‌یافت.

این وضع در انقلاب اسلامی به اوج رسید. انقلاب ۵۷ را نمی‌توان یک انقلاب صرفاً سیاسی دانست. این انقلاب، تجلی کامل یک اراده جمعی بود که توانست امر ملی و امر دینی را در یک کنش همگرا به وحدت برساند. در اینجا، مردم به مثابه یک پیکره زنده، دین را نه تنها به عنوان یک ارزش معنوی فردی، بلکه به عنوان زبان جمعی و دستگاه هویت‌بخش خود به میدان آوردند. شعارها، نمادها، آداب و حتی فرم تظاهرات، همگی از متن سنت دینی برخاسته بود. مردم به خیابان نیامده بودند تا صرفاً رژیم سیاسی را سرنگون کنند، بلکه آمده بودند یک معنا و یک افق جدید برای زیست جمعی خود بسازند؛ افقی که از دل تجربه دینی برآمده بود.

از همین منظر است که هر گاه سخن از مدرنیته در ایران به میان آمده، مواجهه با آن ناگزیر به ساحت دینی ارجاع یافته است. تجدد در ایران هرگز نتوانسته به عنوان یک روند خالص سکولار یا یک نظام ارزشی مستقل جایگاهی پایدار پیدا کند.

ادامه در صفحه ۲

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

